

بررسی نقش عوامل کالبدی در تکوین حس مکان شهری

علی مصیب زاده^۱، آرش حق طلب^{۲*}، نرجس عسکری^۳

۱- استادیار گروه شهرسازی دانشگاه ارومیه، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، ایران، amosayyeb2000@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه ارومیه، ایران، St_a.haghtalab@urmia.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه ارومیه، ایران، St_n.askari@urmia.ac.ir

چکیده

حس مکان مفهومی کلی و پیچیده از احساسات انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید و از مفاهیم مهم در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی و شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان از محیط است. پژوهش حاضر ابتدا به بررسی تعریف مکان و مفهوم مکان پرداخته و سپس به رابطه انسان با محیط مصنوع و ادراکات حسی انسان می پردازد. سپس حس مکان را از جنبه های مختلف به عنوان یک مبنای نظری مورد بررسی قرار داده و در پی تعیین اهمیت این جنبه ها و کاربرد آنها در زمینه های معماری و شهرسازی می باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از طریق مطالعات کتابخانه ای و با ارجاع به مستندات و مدارک موجود به ارزیابی تحقیقات انجام شده پرداخته است. تحقیق بر اساس رابطه انسان و مکان پایه ریزی شده و این موضوع را از دیدگاه های مختلف بررسی می کند و در نهایت ۶ شاخصه کلیدی کالبدی موثر در ایجاد حس مکان را تبیین می کند.

واژه های کلیدی: مکان، حس مکان، انسان، ادراکات حسی، عوامل کالبدی.

۱- مقدمه

امروزه از دست رفتن مکان بیش از هر چیز در سطح شهر احساس میشود. قرارگاه مدرن به جای آنکه مکانی شهری باشد، بصورت خانه گسترده شده ای شرح و بسط یافت [۱]. محیط زندگی انسان مدرن، از جهان دارای روح و آمیخته با طبیعت، به محیط شهری لبریز از سر و صدا، گيجی و فردگرایی تغییر یافته است. در حالیکه یکی از اصلی ترین دلایل ایجاد یا توسعه شهرها، بنای ساختمانها، فضاهای باز شهری و زیر ساخت های شهری، تامین فعالیت های جاری و بالقوه انسان است [۲]. عامل اساسی که در ساختن مکان ها نقش اصلی ایفا میکند، مبتنی بر توانایی شهرساز و طراح در پاسخگویی توأم با حساسیت به شرایط انسانی است. باید به یاد داشت که تعامل و کنشمندی بین فضا و فرد یا افراد موجود در آن فضا، ساختار مکان را به حد اعلا می رساند [۳] و تنها زمانی که مکانمان را ادراک کنیم ممکن است قادر باشیم تا خلاقانه در آن مشارکت کرده و در تاریخ آن سهمی داشته باشیم [۱]. تغییر الگوی زندگی و به تبع آن تغییر در نیازهای انسان مدرن، تغییرات شتاب زده بافتها در کنار لاینحل ماندن رفع نیازهای ساکنان، منجر به تضعیف و گسست دلبستگی مکانی در آنها شده است. اگرچه نظامی عمومی حاکم است اما برای ما هیچ حس مکانی را منتقل نمیکند. بافت شهری گسترده شده، پیوستگی دیوارهای شهری قطع شده و انسجام فضاهای شهری آسیب دیده است. کلیت شهر فاقد خوانایی و تصور پذیری است [۱]. به واقع یکی از ابعاد مهم و تاثیر گذار در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی، مطلوبیت فضاهای شهری و میزان رضایت از